

The Structure of Muslim Social Relations through the Analysis of the Content of the Provincial Relationship in the Holy Quran

Fatemeh Alaei Rahmani *

Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

Zinat Poorkavian 

PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

Fereshteh Motamad Langrodi 

Postdoctoral researcher of Quran and Hadith Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

The social relations of Muslim societies with other Muslim or non-Muslim nations are among the topics addressed in the verses of the Holy Qur'an. The need to demarcate issues related to Muslim relations in Islam and divine verses has been emphasized. Sometimes the boundaries are geographical and terrestrial, sometimes in social, political, cultural, and religious issues. Considering the necessity of religious and political demarcation of the Islamic Republic with the enemies and the necessity of obedience to the Holy Quran, the present study has examined the Quranic propositions in demarcating the provincial relationship using the content analysis process and MAXQDA software. An examination of the data shows that there are four approaches in the divine verses on this subject: condemnation, prohibition, denial, and proof. God forbids the believers from guardianship with infidels, Jews, and Christians, ridiculers and players of religion, people who are angry with God and their enemies and God. The basic themes of denial include two groups of infidels and non-immigrant believers. The theme of proof can also be divided into two sub-themes of the right front and the false front. The right front includes the basic themes of God, the Prophet (PBUH), believers, and angels, and the false front includes the basic themes of Satan, infidels, Jews, Christians, and oppressors.


Keywords: Boundary of Provincial Communication, Holy Quran, Proof, Prohibition, Denial.

* Corresponding Author: f.alaei@alzahra.ac.ir


How to Cite: Alaei Rahmani, F., Poorkavian, Z., Motamad Langrodi, F. (۲۰۲۳). The Structure of Muslim Social Relations through the Analysis of the Content of the Provincial Relationship in the Holy Quran, *Journal of Seraje Monir*, ۱۴(۴۶), ۲۷۷-۳۰۸.

ساختار روابط مسلمانان از رهگذر تحلیل مضمون ارتباط ولایی در قرآن کریم


دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

فاطمه علایی رحمانی * 

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

زینت پورکاوایان 

پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

فرشته معتمد لنگرودی 

چکیده

روابط افراد و جوامع مسلمان با دیگر افراد و ملل مسلمان و غیرمسلمان از موضوعاتی است که در آیات قرآن کریم بدان پرداخته شده است. لزوم مرزبندی از مسائل مرتبط به روابط مسلمانان است در اسلام و آیات الهی بدان تأکید شده است. گاه مرزبندی در حوزه جغرافیایی و زمینی است؛ گاه در مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی. با توجه به ضرورت مرزبندی اعتقادی، سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی با دشمنان و لزوم اطاعت و تبعیت از قرآن کریم، پژوهش حاضر با استفاده از فرایند تحلیل مضمون و نرم افزار MAXQDA به بررسی آموزه‌های قرآنی در مرزبندی ارتباط ولایی پرداخته است. بررسی این آموزه‌ها بیانگر آن است که در آیات الهی درباره‌ی این موضوع چهار رویکرد اثبات، نفی، نهی و ذم وجود دارد. مضمون اثبات به دو مضمون فرعی جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل قابل تقسیم است. جبهه‌ی حق شامل مضامین پایه خداوند، پیامبر(ص)، مؤمنان و فرشتگان می‌شود و جبهه‌ی باطل شامل مضامین پایه‌ی شیطان، طاغوت، کافران، یهود و نصارا و ظالمان می‌گردد. مضامین پایه‌ی نفی نیز شامل سه گروه غیرخداوند، کافران و مؤمنان غیرمهاجر می‌شود. همچنین خداوند مؤمنان را از ارتباط ولایی با کافران، یهود و نصارا، مسخره و بازی گیرندگان دین، افراد مورد غضب الهی و دشمنان خود و خداوند نهی می‌فرماید و در نهایت، ولی قرار دادن شیطان و نسلش به جای خداوند و ولی قرار دادن کافران نیز در آیات الهی مورد مذمت قرار گرفته است

کلیدواژه‌ها: مرزبندی ارتباط ولایی، قرآن کریم، اثبات، نفی، نهی، ذم.

* نویسنده مسئول: f.alae@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

در قرآن کریم آیاتی درباره‌ی روابط افراد و جوامع اسلامی با دیگر ملل وجود دارد؛ با توجه به این آیات، مسلمانان در برابر گروه‌ها و ملل مختلف باید رویه‌ها و رویکردهای مختلفی را اتخاذ نمایند؛ ارتباط مسلمانان با یکدیگر، غیرمسلمانان پایبند به اصول انسانی و غیرمسلمانانی که عدالت را رعایت نکرده، حقوق انسانی را پایمال می‌کنند و به مؤمنان و مسلمانان تعدی می‌نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص: ۷۱-۷۳). لزوم مرزبندی از مسائل مرتبط به روابط است که در اسلام و آیات الهی بدان پرداخته شده است. گاه مرزبندی در حوزه جغرافیایی و زمینی است؛ گاه در مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی. آیاتی که به نهی از اطاعت و تبعیت از گروه‌هایی که خلاف اوامر الهی می‌گویند و به عدم رابطه‌ی ولایی با دشمنان اشاره دارند، نیز در حوزه‌ی مرزبندی قرار می‌گیرند. دشمنی با مؤمنان و اقدام بر ضد آنان و میل به کافر شدن مؤمنان، از جمله دلایل این مرزبندی در آیات است.

آیه ۱ و ۲ سوره‌ی ممتحنه به دشمنی دشمنان با مؤمنان و اقدام بر ضد آنان اشاره دارد. در آیه ۱ سوره‌ی ممتحنه، خداوند مؤمنان را از دوستی با دشمنان خود و خدا نهی می‌کند؛ در ادامه، به دلایل این نهی اشاره می‌نماید. با توجه به آیه، باوجود اینکه مؤمنان نسبت به آنان اظهار دوستی می‌کنند اما آنان به آنچه از سوی خداوند آمده، کافر هستند و مؤمنان و پیامبر(ص) را از وطن خود بیرون می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ» (الممتحنه: ۱) و اگر بر مؤمنان چیره شوند با دست و زبان بر ضد آنان اقدام می‌کنند: «إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ» (الممتحنه: ۲). همچنین ادامه‌ی سوره‌ی ممتحنه به آرزوی آنان به کافر شدن مؤمنان اشاره می‌کند: «وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (الممتحنه: ۲). آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی نساء نیز به این مسئله اشاره دارد؛ چنانکه می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ». با توجه به آیه، آنان دوست دارند که مؤمنان نیز مانند آنان کافر شوند تا با هم مساوی گردند.

با توجه به ضرورت مرزبندی اعتقادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی با دشمنان و لزوم اطاعت و تبعیت از قرآن و معصومان (ع)، پژوهش حاضر به بررسی بخشی از این نوع مرزبندی که در حوزه‌ی ارتباط ولایی در قرآن کریم است، می‌پردازد. ترسیم ساختار تعاملات مسلمانان با یکدیگر و با سایر افراد از رهگذر تعمق در مؤلفه‌های بیان‌شده در آیات ولایی قرآن کریم، بیانگر ژرفای معرفتی مکتب اسلام در کیفیت روابط و تعاملات اجتماعی مسلمانان است. بدون تردید، بازاندیشی در مرزبندی تعاملات مسلمانان بر اساس مضامین قرآنی، بهبود روابط با اعضای جامعه را در پی خواهد داشت. این نوشتار با استفاده از فرایند تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA و با مراجعه به قرآن کریم و بررسی آیاتی که دارای ریشه‌ی ولی هستند و به امور دنیایی مرتبط می‌شوند، بدین سؤال پاسخ می‌دهد که ساختار روابط مسلمانان از رهگذر تحلیل مضمون ارتباط ولایی در قرآن کریم چگونه است؟

با بررسی‌های انجام‌شده، پیشینه‌ای با موضوع تعاملات مسلمانان با تأکید بر ارتباط ولایی یافت نشد؛ اما درباره‌ی ولایت و ولی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ از جمله: *ولاءها و ولایت‌ها* (۱۳۹۶ ش) از مرتضی مطهری و کتاب *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن* از سیدعلی حسینی خامنه‌ای به بحث ولایت در قرآن کریم پرداخته‌اند. همچنین مقالات *معناشناسی واژه ولی در قرآن کریم* (۱۳۹۲)، اثر علی‌اکبر نورسیده، *عبدعلی فیض‌الله‌زاده*، *جواد ماستری فراهانی؛ چندمعنایی واژه‌های ولی و مولی در قرآن* (۱۳۹۹)، اثر *امیر ذوقی؛ تحلیل ولایت‌های متعارض در پرتو قرآن کریم* (۱۳۹۶)، اثر *محمدحسین اسکندری*، بیشتر بر معنای ولی و آیات قرآنی آن تأکید داشته‌اند.

همچنین در زمینه‌ی ارتباط مسلمانان با تأکید بر متون دینی پژوهش‌هایی انجام شده است که عبارت‌اند از: کتاب *روابط بین‌الملل در اسلام* (۱۳۸۸ ش) از *عبدالله جوادی آملی* که به مباحث نظری و مبانی مناسبات اجتماعی در عرصه‌ی بین‌الملل از منظر اسلام می‌پردازد و بر محورهای اساسی آن در روابط همانند فطرت بشری تأکید دارد. *الگویی ارتباطات میان‌فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم* (۱۳۹۴ ش) از *حبیب رضا*

ارزانی و حامد اهتمام. در این پژوهش، بر اساس الگوی توحیدمحور، نحوه ارتباطات میان مسلمانان با مسیحیان ترسیم شده است.

بدین ترتیب، هرچند تاکنون تلاش‌هایی برای ارائه خوانش اسلامی از چگونگی تعاملات مسلمانان با یکدیگر و با سایر جوامع انسانی صورت گرفته است، اما در این پژوهش، ارتباط ولایی مسلمانان به‌مثابه‌ی یکی از موضوعات مهم قرآنی برای نیل به اهداف کلان روابط میان مسلمانان و متأثر از نظام ارزشی اسلام مورد بررسی و تحلیل مضمون قرار گرفته است که بررسی آن به افزایش ارتباط سالم و همزیستی اجتماعی مسلمانان می‌انجامد.

۱- روش پژوهش

همان‌طور که بیان شد، نوشتار حاضر از فرایند تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA استفاده نموده است. تحلیل مضمون راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است. فرایند تحلیل مضمون را می‌توان در شش مرحله چنین بیان کرد: (۱) آشنایی با داده‌ها؛ (۲) ایجاد کدهای اولیه؛ (۳) جستجوی مضمون‌ها؛ (۴) بازبینی مضمون‌ها؛ (۵) تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و (۶) تهیه گزارش (ر.ک: کمالی، ۱۳۹۷، ص: ۱۹۱-۱۹۲، ۱۹۵-۲۰۱).

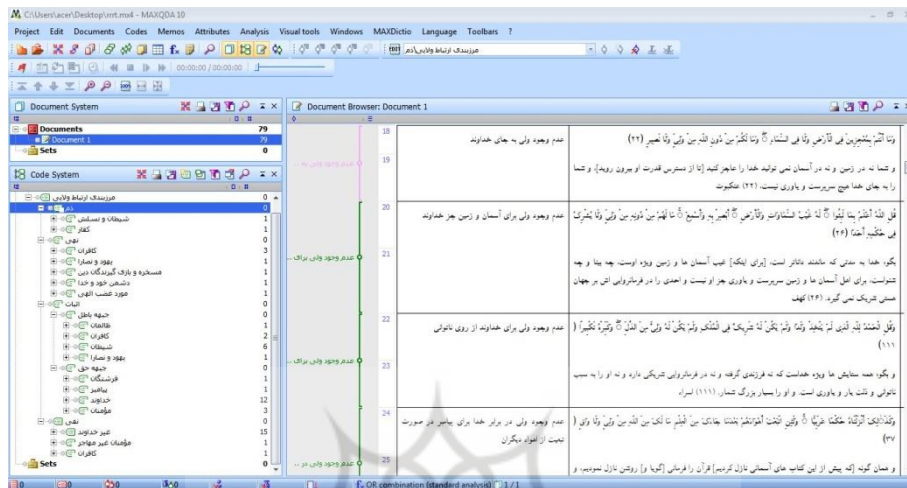
مضامین با توجه به مبناهای مختلف تقسیم‌بندی شده و عناوین مختلفی دارند. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از شبکه‌ی مضامین استفاده شده است، مضامین چنین نامیده می‌شوند: مضمون پایه که بیان‌کننده‌ی نکته‌ی مهمی در متن است؛ مضمون سازمان‌دهنده که واسطه‌ی میان مضامین پایه و فراگیر است و مضمون فراگیر که در کانون شبکه‌ی مضامین قرار می‌گیرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص: ۱۶۰).

مراحل انجام پژوهش در نوشتار حاضر به شرح تصویر ۱ است:

تصویر ۱. مراحل انجام پژوهش



تصویر ۲: نمونه کدگذاری و تشکیل مضامین در نرم افزار



۲- مفهوم شناسی

برای آشنایی با مفهوم «مرزبندی ارتباط ولایی» در ابتدا نیاز است معنای «مرزبندی»، «ولی» و «ارتباط ولایی» تبیین گردد:

۱-۳- مرزبندی

مرز در لغت به معنای زمین کناره‌ی باغ و کشتزار، حد، سرحد، مرز و مرزوی گفته می‌شود (عمید، ۱۳۸۹، ص: ۹۳۱). در این پژوهش نیز مراد از مرزبندی، به معنای لغوی مرز است؛ حد و سرحد قائل شدن.

۲-۳- ولی

واژه «ولی» بیان کننده‌ی ولایت (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص: ۳۲۱)؛ به معنای قرب (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص: ۲۵۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص: ۱۴۱) و نزدیکی است؛ هرکه ولی امر کسی شود، ولی اوست؛ ضد دشمن و... (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص: ۲۵۲۸-۲۵۲۹).

با بررسی به روش معناشناسی ریشه‌ی ولی در قرآن کریم، این ریشه دارای ده وجه

معنایی است؛ عبارت‌اند از: ۱) دوست و راهنما و یاری‌دهنده در دین و کفر، ۲) دوست و یاری‌گر در دین، ۳) فرزند، ۴) دوست غیرخویشاوند، ۵) نزدیک یا خویشاوند نزدیک، ۶) پروردگار (منعم و مولا)، ۷) اله، ۸) خاندان و خویشان، ۹) برده‌ی آزادشده و ۱۰) دوستان مخلص و یکدل و طرف اعتماد و مشورت (ر.ک: بلخی، ۱۳۸۰، ص: ۲۱۶؛ تفسیری، ۱۳۷۱، ص: ۲۸-۲۹). همه‌ی وجوه بیان‌شده با هسته‌ی اصلی معنای ولی (نزدیکی و جدایی نداشتن) ارتباط نزدیکی دارند و در اثر روابط هم‌نشینی چنین جوهری را به خود گرفته‌اند. اصل در معنای ولایت، برطرف شدن حائل بین دو چیز است؛ به طوری که میانشان چیزی که از آن دو نیست، نباشد. از باب استعاره برای بیان نزدیکی چیزی به چیز دیگر، به یکی از وجوه نزدیکی مانند: نزدیکی در نسبت، مکان، منزلت و... به کار می‌رود. طبق مطالب بیان‌شده واژه‌ی ولی بر هر دو طرف ولایت اطلاق می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص: ۸۸). همچنین ولی به معنای مالک امر چیزی است که این معنا برای «حب» نیز استعمال می‌شود؛ بنابراین «حب» تصرف محبوب در امور محب است (همان، ج ۳، ص: ۱۵۱). صاحب تفسیر مجمع‌البیان معتقد است ولی به کسی گویند که امور کسی را که رضایت دهد، سرپرستی کند؛ به اینکه او را کمک و نصرت نماید. ولی بر دو وجه است: ۱- کمک و یاری‌دهنده ۲- کمک و یاری‌گیرنده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص: ۷۳۰). حسینی خامنه‌ای ضمن توضیح تفصیلی درباره‌ی ماهیت و چیستی ولایت از عصر نبوی، معنای ولایت را بر مسلمانان عصر حاضر تطبیق داده است و قید جدایی مسلمانان با دشمنان را به معنای ولی افزوده است. اینکه هرچه بیشتر اتصال و پیوستگی میان امت اسلامی به وجود بیاید و هر چه بیشتر از قطب‌های مخالف، از کسانی که بر ضد آن‌ها می‌اندیشند و بر ضد آن‌ها عمل می‌کنند، جدا شوند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص: ۶۷۴).

ولاء در قرآن به دو بخش ولاء منفی و مثبت تقسیم می‌شود؛ یعنی مسلمانان از طرفی مأمورند که نوعی از ولاء را نپذیرند و آن را ترک کنند و از طرفی به نوعی دیگر دعوت شده‌اند. بخش مثبت نیز به دو بخش عام و خاص تقسیم می‌گردد (مطهری، بی‌تا، ص: ۱۵-۱۶).

۳-۳- ارتباط ولایی

به‌طور کلی، انسان به سبب وجودش در نظام هستی و ارتباط با همه‌ی موجودات (خدا، خود، طبیعت و سایر انسان‌ها) برای او هم ولایت یک‌جانبه و هم ولایت دوجانبه قابل اثبات است: ظهور ولایت یک‌جانبه برای انسان شامل ولایت بر نفس خود، ولایت بر طبیعت و ولایت خدا بر انسان و نظام هستی است. ولایت دوجانبه بین انسان‌ها شامل تدبیر و سرپرستی و محبت و نصرت است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص: ۳۹). انسان باید در ارتباط ولایی خود، سنجیده عمل کند اینکه بدانند؛ تحت ولایت چه کسی قرار می‌گیرد و چه کسی را ولی خود قرار می‌دهد.

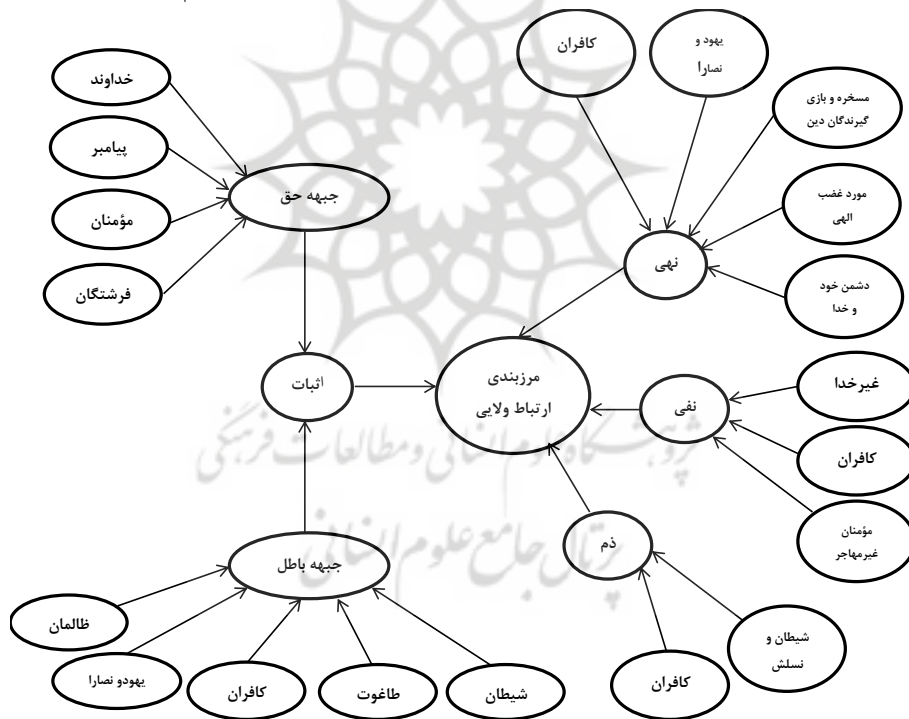
۳- مرزبندی ارتباط ولایی در قرآن کریم

در این قسمت به نتایج حاصل از تحلیل مضمون آیات دارای ریشه‌ی ولی در قرآن کریم پرداخته خواهد شد؛ اما پیش از آن نیاز است نکاتی موردنظر قرار گیرد: ۱- با توجه به هدف این نوشتار، تنها آیاتی که دارای ریشه‌ی ولی بوده و می‌توانند مرتبط به سرای دنیا باشند، در تشکیل مضامین مؤثرند. ۲- در تشکیل مضامین به هر دو بخش محتوا و لفظ قرآن کریم توجه شده است؛ بنابراین در مواردی ممکن است همپوشانی نیز داشته باشند اما الفاظ به کار رفته از سمت خداوند متفاوت است. ۳- به اعتقاد نگارندگان، الفاظ قرآن کریم بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و از تحریف مبرا است، معیار تشکیل مضامین پایه، دارا بودن حداقل یک کد است. ۴- برای تشکیل مضامین از روش استقرایی استفاده شده است. ۵- در ارائه‌ی گزارش تفصیلی مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه‌ی مختص هر مضمون سازمان‌دهنده، بر اساس فراوانی، از بیشتر به کمتر، مرتب شده‌اند. ۶- در این نوشتار هسته‌ی معنایی اصلی ریشه‌ی ولی مدنظر است و وجوه مختلف تفکیک نشده است.

همان‌طور که در شبکه‌ی مضامین ذیل نمایان است، مضمون فراگیر «مرزبندی ارتباط ولایی» از چهار مضمون سازمان‌دهنده‌ی اثبات، نفی، نهی و ذم تشکیل می‌شود که هر یک

دارای مضامین پایه‌ی مختص به خود هستند.^۱ مضمون اثبات به دو مضمون فرعی جبهه حق و جبهه باطل قابل تقسیم است. مضامین پایه‌ی جبهه‌ی حق عبارت‌اند از: خداوند، مؤمنان، پیامبر (ص) و فرشتگان و مضامین پایه‌ی جبهه‌ی باطل عبارت‌اند از: شیطان، طاغوت، کافران، یهود و نصارا و ظالمان. مضامین پایه‌ی نفی نیز عبارت‌اند از: کافران، یهود و نصارا، مسخره مؤمنان غیر مهاجر. همچنین مضامین پایه‌ی نهی عبارت‌اند از: کافران، یهود و نصارا، مسخره و بازی گیرندگان دین، افراد مورد غضب الهی و دشمن خود و خدا و غیر خدا و کافران، مؤمنان غیر مهاجر. مضامین پایه‌ی ذم عبارت‌اند از: کافران، یهود و نصارا، مسخره و بازی گیرندگان دین، افراد مورد غضب الهی و دشمنان خود و خداوند و درنهایت، ولی قرار دادن شیطان و نسلش به جای خداوند و ولی قرار دادن کافران، مضامین پایه‌ی ذم هستند.

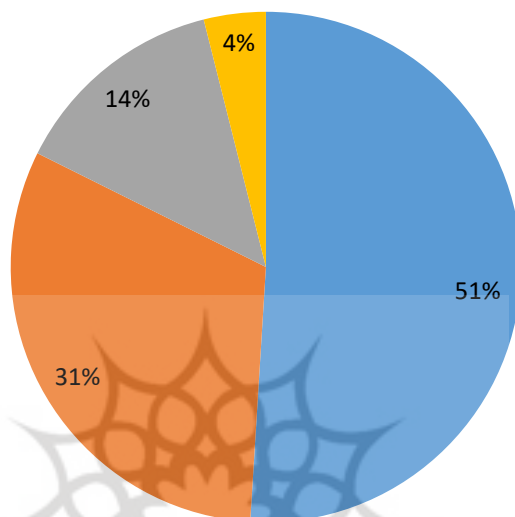
شکل ۳. شبکه‌ی مضامین مرزبندی ارتباط ولایی در قرآن کریم



۱. در برخی از آیات خداوند آثار ارتباط ولایی را بیان فرموده است؛ اما چون در راستای تقسیم انجام شده در تشکیل مضامین سازمان‌دهنده نبود، این نوشتار به شرح آن نمی‌پردازد؛ مانند آیات: الحج: ۴؛ یونس: ۶۲.

شکل ۴. نمودار فراوانی مضامین سازمان‌دهنده

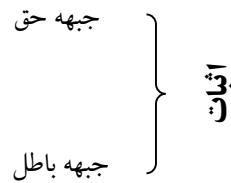
■ اثبات ■ نفی ■ نهی ■ ذم



مطابق نمودار کمی فوق، از میان آیات مربوط به ارتباط ولایی، مضمون سازمان‌دهنده‌ی اثبات، بیشترین تعداد کد را دارد؛ سپس نفی، نهی و ذم. در ادامه گزارش تفصیلی هریک ارائه می‌شود:

۱-۴- اثبات

بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد آیاتی هستند که بیانگر وجود برخی از ارتباط‌های ولایی میان گروه‌ها و افراد مختلف‌اند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان گزاره‌هایی استفاده نمود که حاکی از مرزبندی در چنین ارتباط‌هایی هستند. برای تبیین بهتر این مضمون و با توجه به متفاوت بودن مضامین پایه آن، می‌توان آن را به دو مضمون فرعی جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل تقسیم کرد. هر یک از این دو مضمون خود دارای مضامین پایه‌ای هستند که شرح هریک در ادامه بیان می‌شود.



۱-۱-۴- جبهه‌ی حق

منظور از جبهه‌ی حق افراد مؤمن، صالح، نیکو کاری و... هستند که در قرآن از این عبارت برای معرفی‌شان استفاده شده است. ولی چنین افراد و گروه‌هایی را می‌توان در چهار دسته: ۱- خداوند؛ ۲- مؤمنان ۳- پیامبر(ص) و ۴- فرشتگان تقسیم کرد.

شکل ۵. نمودار فراوانی مضمون جبهه‌ی حق



۱) خداوند: آیات زیادی در قرآن به ولی بودن خداوند تصریح می‌کنند؛ چنانکه خداوند را ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، معرفی می‌کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (البقره: ۲۵۷). بر اساس نگره‌ی توحیدی، روشن است که خداوند

۱. یوسف: ۱۰۱؛ الشوری: ۹-۲۸؛ الاعراف: ۱۵۵-۱۹۶؛ آل عمران: ۶۸؛ البقره: ۲۵۷؛ الانعام: ۱۲۷؛ الجاثیه: ۱۹؛ المائده: ۵۵.

شریکی ندارد و تنها او ولی و سرپرست است. ولایت خدا بر مؤمنان، ولایت ایمان است و سبب افزایش ایمان آنان می‌شود؛ اما ولایت طاغوت بر کافران، مایه‌ی زیادی طغیان شده و بر کفر آن‌ها می‌افزاید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص: ۱۹۵). همچنین افرادی را که اولیای خداوند هستند، فارغ از ترس و اندوه بیان می‌کند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲). در تفسیر آیه گفته‌اند: نفی ترس آن‌ها شامل هر دو حیات دنیوی و اخروی آنان می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۹۲) و برخی آن را منحصر در حیات اخروی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۸۱). بدین ترتیب، ولایت الهی مختص به حیات دنیا نیست؛ بلکه در حیات آخرت نیز وجود دارد. باید توجه نمود که ارتباط ولایی خداوند بر مؤمنان به صرف مطلق ایمان آوردن نیست؛ بلکه با توجه به تفسیر، باید لوازم ایمان حقیقی رعایت شود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص: ۸۹). چنانکه در روایات «أَوْلِيَاءَ اللَّهِ»، ولایت رسول خدا (ص) و اهل بیتش (ع) تفسیر شده است (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص: ۱۴۱) و نیز شرط تحقق ایمان، شناخت خدا و رسول (ص) و اهل بیت (ع)، از جمله امام زمان (عج) ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص: ۱۸۰)؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های اساسی در ولایت‌پذیری، شناخت نسبت به جایگاه نبوت و امامت است.

۲) مؤمنان: در آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه نیز خداوند به رابطه‌ی ولایی میان مؤمنان اشاره نموده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ آیه دلالت دارد بر اینکه باوجود کثرت و اختلافشان در عدد و جنسیت، شبیه تنی واحدند که انشعابی در آن نیست؛ از این رو متولی و مدبر امور یکدیگرند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص: ۳۳۸). در واقع، ولایت میان مؤمنان، نتیجه‌اش آن است که به سبب دوستی و محبت به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، به ارشاد و هدایت همدیگر برخاسته و با یکدیگر تعاون دارند. همچنین در آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی انفال ولایت مهاجران و انصار را بیان کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا». با

توجه به آیه، به طور مطلق ارتباط ولایی، شامل هر کسی که ایمان آورده نیست. به تعبیر خامنه‌ای، اگر امت اسلامی بخواهد به ولایت قرآنی دست یابد، باید دو جهت را مراعات کنند: ۱- ارتباطات داخلی (در داخل جامعه‌ی اسلامی)؛ ۲- ارتباطات خارجی (رابطه‌ی عالم اسلام و امت اسلام و جامعه‌ی اسلامی با جوامع دیگر). در زمینه‌ی ارتباطات داخلی، امت اسلام آن زمانی دارای ولایت به معنای قرآنی است که کمال همبستگی و اتصال و ارتباط و اتحاد صفوف و فشردگی هرچه بیشتر آحاد و جناح‌های گوناگون را در خودش تأمین کند. هیچ‌گونه تفرق و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد. اگر چنانچه دو واحد در داخل امت اسلامی با همدیگر به جنگ برخاستند، خداوند متعال درباره‌ی حفظ وحدت در داخل جامعه‌ی اسلامی چنین دستور داده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَقِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ...» (الحجرات: ۹)؛ «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی افکنید و اگر یک گروه بر دیگری تعدی کرد، با آن که تعدی کرده است بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد»؛ اما در زمینه‌ی روابط خارجی، عالم اسلام و امت اسلامی باید سعی کند، روابط خود را با دنیای غیرمسلمان و غیر این امت به گونه‌ای تنظیم کند که یک ذره تحت فرمان آن‌ها قرار نگیرد؛ هم‌جبهگی و پیوستگی ملت مسلمان با آن‌ها به طور کلی ممنوع است؛ اما این به معنای انزوای سیاسی نیست؛ بلکه با آنان روابط معمولی دارد ولی رابطه‌ی ولایی ندارد؛ بنابراین ولایت قرآنی دو حیطة دارد: ۱- اینکه در داخل جامعه‌ی اسلامی همه‌ی عناصر بایستی به سوی یک هدف و جهت قدم بردارند. ۲- در خارج از جامعه‌ی اسلامی، امت اسلامی باید با همه‌ی جناح‌های ضد اسلامی، پیوندی نداشته باشد (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص: ۶۹۰-۶۹۴).

باید توجه داشت، تأکید قرآن کریم به ارتباط ولایی مؤمنان با یکدیگر با کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان ایفا می‌کند. این رویه در روابط شخصی موجب ایجاد ارتباطات دوستانه همراه با احترام و صمیمیت، گذشت و تحمل دوجانبه می‌شود و رفتارهای تدافعی را به حداقل

می‌رساند.

۳) پیامبر (ص): در آیه‌ای دیگر خداوند، پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان، ولی مؤمنان معرفی شده‌اند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة: ۵۵). کسی که مصالحتان را ولایت کرده و تدبیرتان را محقق می‌نماید، خداوند است و رسول اکرم (ص) که به امر خداوند عمل می‌فرماید و مؤمنانی که وصف شده‌اند به صفتی؛ نماز به جا می‌آورند و در حال رکوع زکات می‌دهند؛ منظور امام علی (ع) است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص: ۳۲۶). با توجه به تفسیر *مفاتیح‌الغیب* همه در اینکه منظور امام علی (ع) است، متفق نیستند و نظرات دیگری نیز وجود دارد (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص: ۳۸۲-۳۸۳)؛ اما اگر طبق نظر شیعه مراد از «وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» امیرالمؤمنین علی (ع) در نظر گرفته شود، مطابق با تقسیم شهید مطهری از انواع ولایات اثباتی خاص در قرآن کریم است؛ زیرا بنا بر نظر ایشان ولای اهل بیت (ع) در قرآن از نوع ولای اثباتی خاص است (مطهری، بی تا: ۳۱). لازم به ذکر است، با وجود آنکه آیه‌ی مذکور ذیل این مضمون تبیین شده است، اما عبارت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» متعلق به مضمون اثبات ولایت خداوند و عبارت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ... وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» متعلق به مضمون اثبات ولایت مؤمنان است.

۴) فرشتگان: فرشتگان از جمله گروه‌هایی هستند که ارتباط ولایی آنان در قرآن کریم ثابت می‌شود. البته باید توجه داشت ولایت فرشتگان در عرض ولایت خدا نیست؛ بلکه آنان مأموران الهی و مجاری رحمت حق‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص: ۱۹۵). در آیات الهی درباره‌ی ارتباط ولایی فرشتگان چنین بیان شده است: «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (فصلت: ۳۱). در پاسخ بدین پرسش که چه کسانی مشمول ارتباط ولایی با فرشتگان هستند، به آیه‌ی قبل استناد می‌شود که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰). «استقاموا» از ماده‌ی «استقامت» به معنای ملازمت بر طریق مستقیم و ثبات بر خط صحیح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص: ۶۹۲). درباره‌ی عبارت «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» نظرات

مختلفی وجود دارد؛ افرادی که به این عقیده و اعتراف که پروردگارشان خدای یکتا و بی‌شریک است، ادامه دادند. مقصود افرادی است که بر ادای فرائض الهی و عبادت پروردگار استقامت ورزیدند یا اینکه مقصود افرادی هستند که به مقتضای اعتراف به ربوبیت الهی، بر عبادتش استقامت ورزیدند. بعضی نیز گفته‌اند: همان‌گونه که در گفتار استقامت نمودند، در اعمال نیز استقامت به خرج دادند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص: ۱۷). اگر مجموع این اقوال در نظر گرفته شود، استقامت در الوهیت و ربوبیت حق تصدیق به همه‌ی افعال و فرمایشات الهی از ارسال رسل و انزال کتب و نصب اوصیاء و جعل احکام که راه مستقیم هستند را شامل می‌شود.

۲-۱-۴-جبهه‌ی باطل

در برابر جبهه‌ی حق که اهل بهشت‌اند، جبهه‌ی باطل قرار دارند. در واقع، اصحاب جبهه‌ی باطل که شامل: شیطان، طاغوت، کافران، یهود و نصارا و ظالمان هستند، ولاء اثباتی دارند و با شیطان و طاغوت و یکدیگر ولایت دارند که در ادامه شرح هر یک بیان می‌گردد.

شکل ۶. نمودار فراوانی مضمون جبهه‌ی باطل



(۱) شیطان: ^۱ در برخی از آیات الهی، شیطان ولی برخی معرفی شده است؛ چنانکه می-فرماید: شیطان را ولی افرادی که ایمان نمی آورند، قرار دادیم: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (الأعراف: ۲۷). به بیان قرآن، شیطان اولیاء خود را دچار خوف می کند: «إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران: ۱۷۵) و تسلط وی تنها بر کسانی است که او را ولی گرفته اند و مشرک اند: «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ» (النحل: ۱۰۰).

مطابق دیدگاه استاد جوادی آملی، ولایت شیطان بر کافران از ولایت الهی مستقل نبوده است و در عرض آن قرار نمی گیرد. ولایت شیطان نوعی عذاب و کیفر الهی است. شیطان به تکوین مأمور است آن را نسبت به افرادی اعمال کند که عامدانه ولایت تشریحی دیگران را جایگزین ولایت خداوند می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص: ۴۳۷).

(۲) طاغوت: طاغوت از دیگر مضامین اثبات ارتباط ولایی در جبهه‌ی باطل است. در سوره‌ی بقره خداوند طاغوت را ولی کافران معرفی نموده، می فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ» (البقره: ۲۵۷)؛ یعنی یاور و متوکی امورشان طاغوت است. در بیان کیستی طاغوت، نظرات مختلفی وجود دارد؛ چنانکه گفته اند: شیطان، بت، رؤسای ضلالت، افراد جبار و منحرف مراد است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۶۳۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۲۸۵). اگر منظور از طاغوت، شیطان باشد، این آیه زیرمجموعه‌ی مضمون قبل قرار می گیرد؛ اما اگر سایر موارد باشند، باید مضامین تفکیک شوند.^۲

(۳) کافران: در قرآن کریم کافران ولی یکدیگر معرفی شده اند؛ چنانکه در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی انفال نیز بدان تصریح شده است؛ کافران با یکدیگر رابطه‌ی ولایی دارند و از محبت و نصرت یکدیگر بهره مندند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». بنا بر گفته‌ی ابن

۱. النحل: ۶۳-۱۰۰؛ النساء: ۷۶؛ آل عمران: ۱۷۵؛ الانعام: ۱۲۱؛ الأعراف: ۲۷.

۲. چنانکه این نوشتار اعمال کرده است.

اسحاق و قتاده منظور یاران همدیگرند و بنا بر گفته‌ی ابن عباس و ابی‌مالک به معنا ارث بردن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص: ۸۶۴). بنا بر نظر علامه طباطبائی نیز بدین معنا است که ولایت کافران میان خودشان است و به مؤمنان تجاوز نمی‌کند و مؤمنان نمی‌توانند آنان را ولی گیرند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص: ۱۴۲). درعین حال باید توجه داشت، قرآن کریم در گفت‌وگو با کفار، نحوه‌ی نیکویی از احتجاج را دستور می‌دهد و به جای مجادله با آنان که اهل عناد و لجاجت هستند، چنین می‌فرماید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» (الکافرون: ۶). بدین ترتیب قرآن کریم، با اتمام حجّت با کافران از هر گونه سازش بر سر توحید و بت پرستی، جدایی کامل خط خود را از آن‌ها مشخص می‌کند.

۴) **یهود و نصارا:** در دسته‌ای دیگر از آیات، به بیان ارتباط ولایی میان یهود و نصارا می‌پردازد. در آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی مائده پس از نهی مؤمنان از برقراری ارتباط ولایی با یهود و نصارا، به ارتباط ولایی میان آن‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» این آیه اشاره دارد که دوستی و محبت مؤمنان به یهود و نصارا یک‌جانبه است؛ زیرا آنان تنها به همدیگر محبت می‌ورزند. در واقع، آن‌ها در اثر تحزب و هم‌فکری حامی یکدیگر هستند و یکدیگر را در مقابل مسلمانان یاری می‌کنند.

۵) **ظالمان:** در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی جاثیه نیز ظالمان ولی یکدیگر معرفی شده‌اند: «وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». در پاسخ به کیستی ظالمان گفته‌اند: کافران (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص: ۱۱۴)؛ یا کسانی که تبعیت می‌کنند از هواء جهل، آنان ظالم و ولی یکدیگرند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص: ۱۶۷).

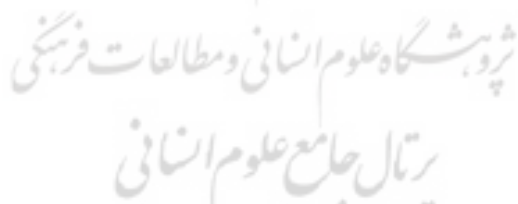
از رهگذر واکاوی و دسته‌بندی آیات جبهه‌ی باطل حوزه‌ی اثبات مرتبط با واژه‌ی ولی می‌توان اذعان داشت، از جمله شاخصه‌های نگره‌ی اسلامی در حوزه‌ی تعاملات مسلمانان با سایر افراد غیرمسلمان، مؤلفه‌ی آزادی انسان است. موضوع آزادی از سوی اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ی در انسان‌شناسی اسلامی است؛ از جمله می‌توان به انتخاب‌گری انسان، مکلف بودن انسان و مورد آزمایش قرار گرفتن وی اشاره کرد.

مفهوم آزادی در اسلام بر دو شاخصه اصلی آزادی معنوی و آزادی اجتماعی استوار است. اهمیت آزادی معنوی یا توانمندی تسلط بر غرائز و شهوات تا حدی است که حتی در هویت اجتماعی مسلمانان اثرگذار است (فاسی، ۱۹۷۹، ص: ۲۴۷)؛ بنابراین در پس هر حقی برای فرد، حقی برای جامعه نهفته است و همواره مسئولیت نسبت به حق وجود دارد. نگرهی آزادی در مکتب اسلام بر مطلق بودن آزادی فرد در همه‌ی امور تا زمانی که با حق یا با مصالح عمومی برخورد پیدا نکرده باشد، استوار است و اگر با حق یا مصالح عمومی در تراحم باشد، تجاوزی محسوب می‌شود که باید در برابر آن ایستاد. پس آزادی مطلق وجود ندارد. از این رو، قرآن کریم به‌عنوان رفتار پیشگیرانه، برخورد مدافعانه در برابر اظهار عقاید توطئه‌گرانه را تأکید کرده است و این‌گونه مرز آزادی‌های مخالفان-شیطان، کفار، یهود و نصارا و ظالمان- را از صفوف مسلمانان تعیین نموده است.

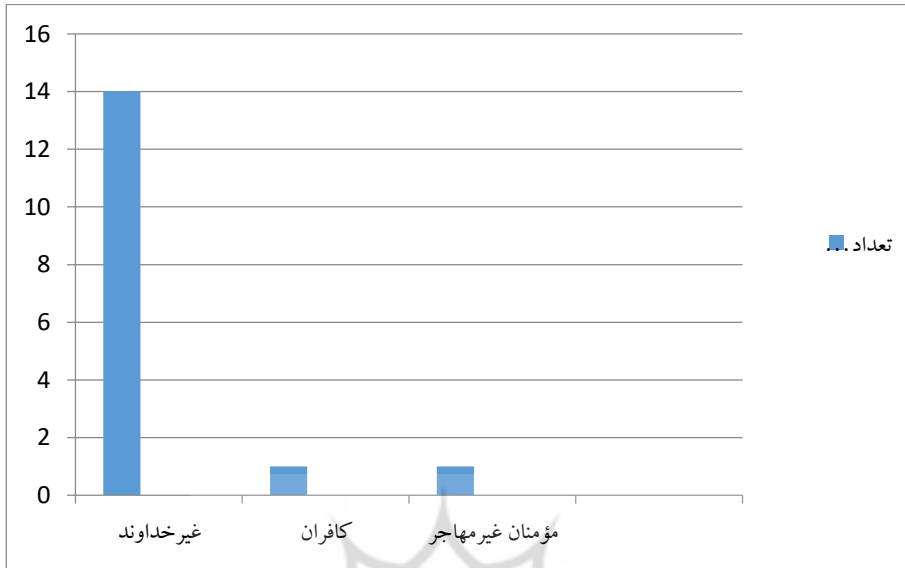
۲- ۴ نفی^۱

علاوه بر آیاتی که از ارتباط ولایی با برخی از افراد و گروه‌ها نهی می‌کنند، آیاتی نیز ارتباط ولایی با برخی را نفی می‌کنند؛ این گروه‌ها شامل سه مضمون: غیرخداوند، کافران و مؤمنان غیر مهاجر می‌شود که در ادامه شرح هر یک بیان خواهد شد.

شکل ۷. نمودار فراوانی مضمون نفی



۱. با دقت در برخی از آیات نفی و اینکه مآل این نفی به نهی بر می‌گردد و اصطلاحاً جمله خبری در مقام انشاء و نهی است -چنانکه علامه طباطبایی درباره جمله «أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» معتقد است جمله‌ایست انشایی و امری، به صورت جمله‌ای خبری. در حقیقت آیه می‌خواهد بفرماید اهل ایمان نباید آنان را دوست بدارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۹، ۱۴۲) در این پژوهش هر چند به لحاظ محتوا برخی از آیات نفی و نهی در یک دسته جای می‌گیرند؛ ولی به صورت جداگانه ذکر شد. دلیل آن نیز همان‌طور که گفته شد، توجه نگارندگان به هر دو بخش لفظ و محتوای آیات در تشکیل مضامین است.



۱) غیر خداوند: نفی وجود ولی غیر از خداوند، از مضامین پایه‌ی پرتکرار در این نوشتار است. در قرآن کریم، وجود ولی غیر از خداوند به شکل‌های مختلفی نفی شده است؛ از جمله: گاه برای پیامبر (ص) و مؤمنان وجود چنین ولی را نفی می‌کند: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (البقرة: ۱۰۷). در تفسیر آیه گفته‌اند که برخی آیه را خطاب به پیامبر (ص) می‌دانند؛ در این صورت ضمیر جمع برای تفخیم امر و تعظیم قدرت اوست. برخی نیز آن را خطاب به پیامبر (ص) و مؤمنان یا مؤمنان خاص دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۵۰). گاه نیز چنین نفی را برای افرادی به کار می‌برد که داعی الله را اجابت نمی‌کنند: «وَمَنْ لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ» (الاحقاف: ۳۲). آیه‌ی مذکور با توجه به تصریحی که به «الْأَرْضِ» دارد، ذیل آیات متوجه امور دنیوی لحاظ شده است. آیاتی که تا اینجا به‌عنوان نمونه بیان شد، از مجموعه آیاتی بود که لفظ «مِنْ دُونِ...» در آن وجود داشت؛ برخی از آیات نیز هستند که به لفظ «مِنْ دُونِ...» تصریح نمی‌کنند؛ اما با توجه به قرائن آیه می‌توان

۱ الرعد: ۱۱-۳۷؛ البقرة: ۱۰۷-۱۲۰؛ الشوری: ۳۱؛ السجده: ۴؛ التوبه: ۷۴-۱۱۶؛ الکهف: ۱۷-۲۶؛ الاحقاف: ۳۲؛ الاسراء: ۹۷؛

هود: ۲۰؛ الاحزاب: ۱۷.

آن‌ها را به‌عنوان متمم زیرمجموعه‌ی این مضمون قرار داد؛ این آیات عبارتند از: توبه: ۷۴ و کهف: ۱۷.

لازم است در اینجا به‌عنوان یک اصل کلی بیان شود که ولایتی در عرض ولایت خداوند وجود ندارد و سایر ولایت‌هایی که در آیات بیان شده، جعل شده از سوی خداوند است: ولایت شیطان یا در طول ولایت خداوند قرار دارد: ولایت پیامبر(ص) و مؤمنان؛ اما آیات با توجه به مقاصدی که در پی بیان آن‌ها هستند، از الفاظ و عبارات مختلفی استفاده کرده‌اند.

۲) کافران: آیه ۲۸ سوره‌ی آل‌عمران از مهم‌ترین آیات در زمینه‌ی مرزبندی ارتباط ولایی با کفار است که در آن خداوند می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ». با توجه به آیه هرگز مؤمنان کفار را به‌عنوان اولیاء و دوستانشان نباید اتخاذ کنند؛ زیرا این مرحله آر ارتباط ولایی که محصول آن محبت و نصرت است، به مرحله‌ی نهای ولایت که سرپرستی و تدبیر است، منجر می‌شود؛ بنابراین خداوند متعال برای اینکه مؤمنان به آن خطر سرپرستی کفار نیفتند، از ابتدا ولاء قرب و محبت را منع می‌کند. همچنین راز ممنوع بودن ولای کافران این است که دوست دارند مؤمنان نیز کافر و همسان آنان شوند. لذا پیامد ولای کافران از دست دادن ایمان و قطع رابطه با خداست که به محرومیت از همه درجات فیض و رحمت خاص الهی می‌انجامد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص: ۶۲۴).

۳) مؤمنان غیر مهاجر: همان‌طور که بیان شد، خداوند در آیات الهی رابطه‌ی ولایی مؤمنان را اثبات می‌فرماید؛ اما باید توجه داشت که به‌طور مطلق ارتباط ولایی شامل هر کسی که ایمان آورده نیست؛ چنانکه خداوند در آیه ۷۲ سوره‌ی انفال ولایت مهاجران و انصار را بیان کرده و ارتباط ولایی میان آنان و کسانی که ایمان آورده اما مهاجرت نکردند را نفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا». زمخشری «أَوْلِيَاءُ» در آیه را به معنای بردن می‌داند که با آیه‌ی «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ

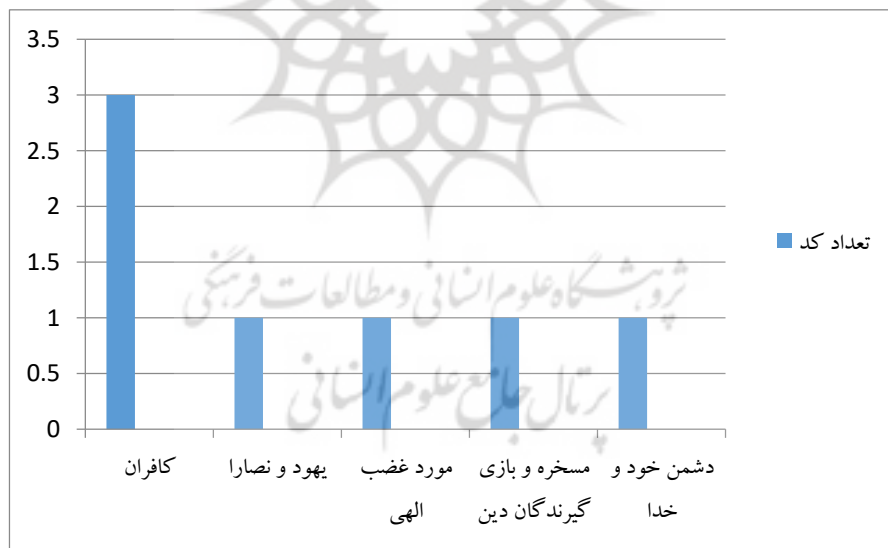
ساختار روابط مسلمانان از رهگذر تحلیل مضمون ارتباط...: علایی رحمانی و همکاران | ۲۹۷

أُولَى بِيْعُضٍ» (الانفال: ۷۵) نسخ شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۲۳۹)؛ اما علامه طباطبائی دامنه این ولایت را گسترده می‌داند؛ بدین شرح که در آن ولایت بین مؤمنان مهاجر و انصار و بین مؤمنان غیرمهاجر را -جز در ولایت نصرت- نفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۴۱-۱۴۲).

۳-۴ نهی

نهی از رابطه‌ی ولایی با غیر، از گزاره‌هایی است که با بررسی آیات قرآنی می‌توان به مرزبندی ولایی با آنان دست یافت. سور و آیات متعددی در قرآن کریم به این مسئله اشاره نموده‌اند که در این بخش به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود. نهی از رابطه ولایی با اوصاف گوناگونی از افراد و گروه‌ها بیان شده است که عبارت هستند از: ۱- کفران، ۲- یهود و نصارا، ۳- مورد غضب الهی، مسخره و بازی گیرندگان دین و دشمن خود و خدا.

شکل ۸. نمودار فراوانی مضمون نهی



۱) کافران: کفر در لغت نقیض شکر است. برای این واژه معانی مختلفی ذکر شده است: جحد با معرفت قلبی، عناد و ستیزه‌جویی، نفاق و انکار قلبی و زبانی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج

۵، ص: ۳۵۶). ابن درید این واژه را پوشانیدن و متضاد با اسلام معنا کرده و معتقد است وجه تسمیه کافر از آن روست که گویا چیزی روی قلب را پوشانیده است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص: ۷۸). به طور کلی، اطلاق کافر برای انکارکننده، چه منکر وحدانیت یا منکر نبوت پیامبر (ص) یا شریعت الهی و یا هر سه باشد، متعارف است.

قرآن کریم به نحوه تعاملات مسلمانان با کافران اهتمام ویژه‌ای دارد. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (النساء: ۱۴۴) از نمونه آیاتی است که مؤمنان را از ارتباط ولایی با کافران نهی می‌کند. علامه طباطبائی عبارت «مَنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» را تفسیر نهی از رابطه ولایی با کفار بیان می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص: ۱۵۱). مطابق این آیه، تبری از دشمنان دین واجب و تولی آنان حرام است؛ خواه در عقاید، اخلاق و اعمالی که در مسیر عبادت است؛ یا در راه دادن آن‌ها به درون جامعه اسلامی و آگاه کردن آنان به اسرار نظامی، اقتصادی و فرهنگی امت اسلامی (ر. ک: آل عمران: ۱۱۸؛ التوبه: ۱۶) و یا یاری کردن آن‌ها و پذیرش سرپرستی و حکومت و قضای آنان باشد.

گاهی نیز رابطه با کافران بر اثر خویشاوندی با آن‌هاست. قرآن کریم به این امر توجه داشته و درباره اتخاذ خویشاوندان کافر به عنوان اولیاء با بیانی تهدیدآمیز چنین فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَّخِذْهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ* قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (التوبه: ۲۳-۲۴). این آیه با خطاب عام همه‌ی مؤمنان را از دوستی با پدران و برادرانی نهی می‌کند که کفر پیشه کرده‌اند و آن را بر ایمان ترجیح داده‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص: ۱۹۸-۱۹۹). معنای (أَحَبَّ) این است که بر اثر ارتباط با آن‌ها برخی از احکام شریعت، به طور خاص جهاد، با توجه به بافت موقعیتی آیه‌ی فوق ترک می‌شود. هم‌نشینی ولایت با محبت در این آیات بیانگر آن است که ولایت چه در جنبه‌ی منفی، باطل و فانی و چه در جنبه‌ی مثبت، حقیقی و باقی با محبت در ارتباط است. آنان که حبّ و تمایلشان تنها به سمت خدا باشد، خدا ولی‌شان خواهد بود و به آن‌ها کمک می‌کند تا صراط مستقیم را طی کنند و در آخرت از جمله‌ی رستگاران و

برخورداران از بهشت نعیم باشند و در مقابل، پیروی کردن یا دوستی با کسانی که دچار دوستداری منفی شده‌اند، منجر به سقوط از درجات ایمان و قرارگرفتن در گروه ظالمان خواهد شد، همان کسانی که ایمان را در جایگاه حقیقی خویش قرار ندادند و محبت خویش را به اشتباه به سمت کفر روانه کردند. لذا هرگاه مؤمنان کافران را به دوستی بگیرند، ناخودگاه به سمت آن‌ها و عقایدشان سوق می‌یابند؛ زیرا ولایت به دنبال محبت حاصل می‌شود و محبت با منحرفان، ولایت ایشان را در پی خواهد داشت.^۱

۲) **یهود و نصارا:** مجموعه دیگری از آیات در کانون کاربرد نهی از ارتباط ولایی، از ارتباط با یهود و نصارا نهی کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ» (المائدة: ۵۱). منظور این است که مؤمنان با یهود و نصارا هم‌پیمان نگردند و در برابر دشمنان روی دوستی آن‌ها تکیه نکنند. لذا مراد از ولایت ممنوع در این آیه، قرب و ولای محبت است؛ زیرا نزدیکی و معاشرت با آن‌ها سبب تأثیر و تأثر اخلاقی می‌شود؛ آنگاه جامعه اسلامی را از مسیر سعادت دینی و حیات فطری به پیروی از هوای نفس، پرستش شیطان و کفر می‌کشاند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص: ۳۶۳).

۳) **گروه مورد غضب الهی:** مؤمنان از برقراری رابطه ولایی با گروهی که خداوند بر آنان غضب کرده است، نهی شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (الممتحنه: ۱۳)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید قومی را که خدا بر آن‌ها غضب فرمود، دوست نگیرید. درباره‌ی کیستی این قوم نظراتی وجود دارد؛ چنانکه گفته شده: ۱- یهودیان هستند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص: ۵۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص: ۴۱۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص: ۲۴۳). ۲- یهودیان و مشرکان (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص: ۵۲۵) ۳- مفهوم آیه را وسیع‌تر است و همه کفار و مشرکان را شامل می‌شود؛ زیرا تعبیر به غضب در قرآن منحصر به یهود نیست، بلکه در مورد منافقان نیز آمده است^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص

۱. و نیز ر.ک: آل عمران: ۱۱۸

۲. الفتح: ۶

(۵۲).

۴) مسخره و بازیچه‌گیرندگان دین: خداوند مؤمنان را از رابطه ولایی با افرادی که دین مؤمنان را مسخره و بازیچه می‌گیرند، نهی کرده است. خواه کافر باشند؛ خواه اهل کتاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ» (المائده: ۵۷). در این آیه، علّت نهی از تولی بیگانگان، ایمان و تقوای مؤمنان و استهزا و به بازی گرفتن دین از جانب اهل کتاب و کافران معرفی شده است. در واقع، مؤمنان به مقتضای ایمان و تقوایی که دارند، نباید با کسانی که اسلام را به تمسخر می‌گیرند، ارتباط ولایی داشته باشند. همچنین بیگانه‌ای که دین مؤمن را به تمسخر و بازی می‌گیرد، صلاحیت دوستی ندارد؛ خواه از یهود و نصارا باشد یا از کافران (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۳، ص: ۱۶۲).

۵) دشمنان خود و خداوند: اهل ایمان از رابطه ولایی با دشمنان خود و خداوند نهی شده‌اند. باوجوداینکه با اهل ایمان اظهار دوستی دارند اما آنان به آنچه از سوی خداوند آمده، کافرند و مؤمنان و پیامبر(ص) را از وطن خود بیرون می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (الممتحنه: ۱). در این آیه، سرّ لزوم اجتناب و احتیاط از بیگانه این امر معرفی شده است که آنان دوست دارند دیگران نیز به کیش و آیین آن‌ها درآیند. در واقع، قرآن منشأ اصلی خطر را گوشزد می‌کند. آن‌ها وقتی دوست دارند، تنها دوستی و تمایلشان نیست؛ بلکه برای نیل به این هدف می‌کوشند و از هر راهی جدیت می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۰). براین اساس، جامعه و افرادی که دوستدار خدا و دین الهی هستند، نمی‌توانند و نباید با دشمن خدا، دین و بندگان مؤمن خدا دوستی کنند و این امر ایجاب می‌کند که روابط مسلمان با غیرمسلمان محتاطانه باشد؛ بنابراین برقراری رابطه دوستانه و ولایی با دشمن خدا جایز نیست. باید توجه داشت که فقط مسئله‌ی دوستی و محبت در آیه‌ی مزبور مورد نظر نیست؛ بلکه سطحی بالاتر مدنظر است؛ بدین معنا که هم‌جبهه‌ی خود و در صف آن‌ها قرار ندهید و آنان را دشمن و معارض با خودتان بینید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹ ش: ۶۷۵).

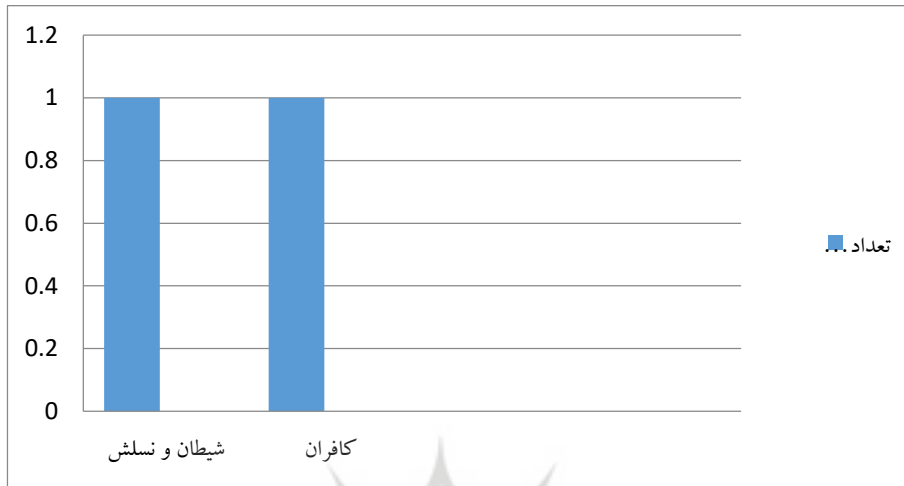
همچنین باید توجه نمود که مراد از نهی از چنین ارتباطی در سوره‌ی ممتحنه قابل تعمیم به همه‌ی غیرمسلمانان نیست؛ بلکه با توجه به آیه‌ی ۸ این سوره، نهی از دوستی شامل افرادی که در امر دین با مؤمنان پیکار نکردند و آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکردند، نمی‌شود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»؛ بلکه شامل افرادی است که در دین با مؤمنان جنگ کردند؛ آنان را از خانه‌هایشان بیرون رانده و در بیرون‌راندنشان با یکدیگر همپستی کرده‌اند، می‌شود: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ» (الممتحنه: ۹). لازم است بیان شود که دسته‌بندی ارائه شده به معنای تفکیک این افراد و گروه‌ها از یکدیگر نیست؛ بلکه همپوشانی نیز دارند.

مُدافعه در این آیات گویای آن است که مسلمانان با کسانی پیوند ایمانی و قلبی دارند و هم‌جبهه هستند و با کسانی این پیوند و ارتباط را ندارند. در واقع، با کافران غیرحربی که با مسلمانان جنگ و مقاتله ندارند، مسلمانان هم‌جبهه نبوده و ارتباط ولایی ندارند؛ ولی در عین حال نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با عدالت‌ورزی و مدارا دارند. چنانکه صاحب تفسیر المیزان در آیات مزبور چنین معتقد است که نهی از دوستی با کفار به معنای نهی از عدالت و خوش‌رفتاری با کفار غیرحربی نیست (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص: ۲۳۴). بدین ترتیب، مسلمانان با کافران چه حربی، چه غیرحربی، رابطه‌ی ولایی ندارند. چنانکه عبارات «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ... أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» و «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ... أَنْ تَوَلَّوهُمْ» نیکی و قسط را با کافران غیرحربی و ترک ولایت را با کافران حربی خواستار است.

۴-۴ ذم

ذم در لغت به معنای نکوهیدن، مذمت، بدگویی و در مقابل مدح است (دهخدا، ۷۳-۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۱۲۸). در این نوشتار نیز مراد از آن آیاتی است که در آن‌ها ولی قرار دادن برخی صریح نکوهش شده است. این آیات که به دو دسته شیطان و نسلش و کافران تقسیم می‌شوند، بدین شرح هستند:

شکل ۹. نمودار فراوانی مضمون ذم



۱) شیطان و نسلش: خداوند در آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی مبارک کُهِف، ولی قرار دادن شیطان و نسلش را به جای خداوند، مذمت کرده، می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» در اینجا عبارت «بئس للظالمين بدلًا» به عنوان ذم عمل آنان در نظر گرفته شده است. چنانکه علامه طباطبائی عبارت پایان آیه را تفسیح عمل آنان بیان می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص: ۳۲۶) در بیان کیستی ذریه‌ی ابلیس نیز گفته شده: ۱- شیاطین ۲- اجنه (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص: ۷۳۴).

۲) کافران: گروه دیگر که ولی قرار دادندشان مورد مذمت قرآن کریم قرار گرفته است، کافران هستند. خداوند می‌فرماید: «تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» (مائده: ۸۰). در این آیه نیز عبارت «لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ» حاکی از مذمت عمل آنان، یعنی به ولایت گرفتن کافران است. همان‌طور که در این دو آیه مشاهده می‌شود، خداوند به‌طور صریح ولی گرفتن شیطان و نسلش به جای خداوند و ولی قرار دادن کافران را مذمت نموده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی در قرآن کریم درباره‌ی مرزبندی ارتباط ولایی چهار رویکرد یافت شد که شامل:

اثبات، نفی، نهی و ذم می‌شود. مضمون سازمان‌دهنده‌ی اثبات که از بیشترین فراوانی برخوردار بود، خود به دو مضمون فرعی جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل قابل تقسیم گشت. جبهه‌ی حق شامل مضامین پایه‌ی: خداوند، مؤمنان، پیامبر(ص) و فرشتگان می‌شود و جبهه‌ی باطل شامل مضامین پایه‌ی: شیطان، طاغوت، کافران، یهود و نصارا و ظالمان می‌گردد.

نفی ارتباط ولایی با برخی نیز از دیگر مضامین سازمان‌دهنده‌ی یافت شده در این پژوهش است که مضامین پایه آن شامل: غیرخداوند، کافران و مؤمنان غیرمهاجر می‌شود. نهی نیز از دیگر مضامین سازمان‌دهنده است که خود از پنج مضمون پایه تشکیل شده است. خداوند مؤمنان را از ارتباط ولایی با کافران، یهود و نصارا، مسخره و بازی گیرندگان دین، افراد مورد غضب الهی و دشمنان خود و خداوند نهی می‌فرماید.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مضمون آیات مرتبط با سرای دنیای ریشه‌ی ولی، در یک نگاه کلان می‌توان گفت که این آیات به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای متوجه گروه و افرادی است که در چارچوب امور طبیعی و حسی‌اند و دسته‌ای دیگر ماورای امور طبیعی و ماورای محسوسات ظاهری بشر. با توجه به این نکته، مسلمانان باید خود را از تحت ولایت رفتن شیطان دور نگهدارند و به ولایت خداوند و در طول آن، فرشتگان درآیند (هرچند هیچ ولایتی هم‌عرض ولایت خداوند نیست)؛ یعنی حیطه‌ی ماورای طبیعی و ماورای محسوسات ظاهری بشر. از سویی دیگر باید از ارتباط ولایی با گروه‌هایی مانند: کافران، مسخره و بازی گیرندگان دین دوری کرده و خود را به ارتباط ولایی با پیامبر(ص) و مؤمنان درآوردند. چنین مهمی در ساختار ارتباط ولایی مسلمانان صورت نمی‌گیرد مگر با ایمان و عمل صحیح.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.


ORCID


Fatemeh Alaei Rahmani


Zinat Poorkavian

Fereshteh Motamad

Langrodi

 <https://orcid.org/0000-0002-8392-6401>

 <https://orcid.org/0009-0007-3964-3707>

 <https://orcid.org/0000-0002-8759-9209>

منابع

قرآن کریم.

ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸ م). *جمهره اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین، نرم افزار قاموس النور.
ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*، محقق/مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلامی الاسلامی، نرم افزار قاموس النور.
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نرم افزار قاموس النور.

بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۳۸۰ ش). *الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم*، ترجمه: محمد روحانی و محمد علوی مقدم، تهران، نشر علمی و فرهنگی.

تفلیسی، حبیب بن ابراهیم. (۱۳۷۱ ش). *وجوه القرآن*، تحقیق: مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳ ش). *توحید در قرآن*، قم، اسراء.

----- (۱۳۸۴ ش). *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء.

----- (۱۳۸۸ ش). *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.

----- (۱۳۸۵ ش). *شمیم ولایت*، قم، اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ ق). *الصحاح*، محقق/مصحح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، نرم افزار قاموس النور.

حسینی خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۹ ش). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.

دهخدا، علی اکبر (۷۳-۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*، تهران: روزنه، کتابخانه دیجیتال نور.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، الشریف الرضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق، دارالقلم، نرم افزار قاموس النور.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی*

وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دارالکتاب العربی، سوم، نرم افزار

جامع التفاسیر.

ساختر روابط مسلمانان از رهگذر تحليل مضمون ارتباط ...: علای رحمانی و همکاران | ۳۰۵
طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،
دوم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی
طباطبائی، هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، سوم، نرم افزار جامع التفاسیر.
طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش.). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
عابدی جعفری، حسن و همکاران. (۱۳۹۰ ش.). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و
کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *اندیشه مدیریت راهبردی*، دوره
۵، شماره ۲، ۱۵۱-۱۹۸.

عمید، حسن. (۱۳۸۹ ش.). *فرهنگ فارسی*، تهران، راه رشد، اول.
فاسی، علال. (۱۹۷۹ م.). *مقاصد الشریعه الاسلامیه و مکارمها*، الطبعة الثانية، رباط: مطبعة الرساله.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق.). *العین*، الطبعة الثانية، قم: هجرت، نرم افزار قاموس النور.
فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث
العربی، سوم، نرم افزار جامع التفاسیر.
قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ ش.). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، نرم افزار
جامع التفاسیر.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران،
دارالکتب الإسلامیه.

کمالی، یحیی. (۱۳۹۷ ش.). «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری
عمومی». *فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۴، شماره ۲، ۱۸۹-۲۰۸.
مطهری، مرتضی. (بی تا). *ولاءها و ولایتها*، تهران، انتشارات صدرا.

----- (۱۳۸۰ ش.). *شش مقاله*، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش.). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، نرم افزار جامع التفاسیر

References

Holy Quran.

Abedi Jafari, Hassan et al. (۲۰۱۸). Thematic analysis and network of themes:

a simple and efficient method to explain patterns in qualitative data.

Strategic Management Thought, Volume ۵, Number ۲, ۱۵۱-۱۹۸. [In

Persian]

Azhari, Mohammad bin Ahmad. (۲۰۰۰). *Tahzib-al-Lagheh*, Beirut, Dar Ihya

Al-Trath-al-Arabi, Qamoos-ul-Noor software. [In Arabic]

Balkhi, Muqatil ibn Suleiman. (۲۰۰۱). *Al-Ashbah and Al-Nazair in the Noble*

Qur'an, translated by: Mohammad Rouhani and Mohammad Alavi Mogdam, Tehran, Scientific and Cultural Publishing. [In Persian]

Dehhoda, Ali Akbar (۱۹۹۳). *Dehhoda Dictionary*, Tehran: Rozeneh, Noor

Digital Library. [In Persian]

Dailami, Hassan bin Mohammad. (۱۹۹۱). *Irshad al-Qulub to al-Sawab*,

Qom, al-Sharif al-Radi. [In Persian]

Fasi, Alal. (۱۹۷۹). *Al-Maqasid al-Islamiyyah and its makarams*, ۲nd edition,

Rabat: Al-Rasalah Press. [In Arabic]

Farahidi, Khalil bin Ahmad. (۱۹۸۸). *Al-Ain, Al-Tabaa Al-Thaniyyah*, Qom:

Hijrat, Qamoos Al-Noor software. [In Arabic]

Fakhr Razi, Muhammad bin Omar. (۱۹۹۹). *Al-Tafsir al-Kabir (Mufatih al-*

Ghayb), Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third, Jame al-Tafsir software. [In Arabic]

Hosseini Khamenei, Ali. (۲۰۱۹). *Outline of Islamic Thought in the Qur'an*,

Qom, Iman Jihadi Publications. [In Persian]

Ibn Darid, Muhammad Ibn Hasan. (۱۹۸۸). *Jamehara Al-Lagheh*, Beirut: Dar

al-Alam Lamlayin, Qamoos al-Noor software. [In Arabic]

Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris. (۱۹۸۳). *Ma'jam Maqais-al-Laghe*,

Researcher/Editor: Abdussalam Mohammad Haroun, Qom, Al-Islamic School of Al-Alami, Qamoos Al-Noor software. [In Persian]

Javadi Amoli, Abdullah. (۲۰۱۳). *Monotheism in the Qur'an*, Qom, Isra'a. [In

Arabic]

----- (۲۰۱۴). *Human expectation from religion*, Qom, Isra. [In

Persian]

----- (۲۰۱۸). *Tafsir Tasnim*, Qom, Israa. [In Persian]

----- (۲۰۱۶). *Shamim Velayat*, Qom, Israa. [In Persian]

Johari, Ismail Ibn Hammad. (۱۹۹۷). *Al-Sahah*, researcher/corrector: Ahmed

- Abdul Ghafoor Attar, Beirut, Darul-Alam Lallemayin, Qamoos-ul-Noor software. [In Arabic]
- Kalini, Muhammad bin Yaqoob. (۱۹۸۶). *Al-Kafi*, researcher: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, Tehran, Dar al-Kitab Islami. [In Persian]
- Kamali, Yahya. (۲۰۱۷). "Methodology of content analysis and its application in public policy studies". *Scientific-Research Quarterly of Public Policy*, Volume ۴, Number ۲, ۱۸۹-۲۰۸. [In Persian]
- Motahari, Morteza. (N.D.). *Valaha and Velayats*, Tehran, Sadra Publishing House. [In Persian]
- (۲۰۰۱). *Six articles*, ۱۵th edition, Tehran, Sadra Publishing House. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser (۱۹۹۲). *Tafsir sample*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, Jame al-Tafaseer software. [In Persian]
- Omid, Hassan. (۲۰۱۰). *Farhan Farsi*, Tehran, Rah Rushd, first. [In Persian]
- Qaraeti, Mohsen. (۲۰۱۸). *Tafsir Noor*, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an, Jame al-Tafaseer software. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein-Ben-Mohammed. (۱۹۹۱). *Vocabulary of Al-Qur'an*, Damascus, Dar al-Qalam, Qamoos al-Nur software. [In Arabic]
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (۱۹۹۶). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Al-A'lami Institute for Press, II. [In Arabic]
- Tafliisi, Habish bin Ibrahim. (۱۹۹۲). *Aspects of the Qur'an*, Research: Mehdi Mohaghegh, Tehran, Tehran University Press. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl Bin Hasan. (۱۹۹۳). *Jama al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, corrected by: Fazlullah Yazdi Tabatabai, Hashim Rasouli, Tehran, Nasser Khosrow, third, Jame al-Tafaseer software. [In Persian]
- Tayeb, Abdul Hossein. (۱۹۹۹). *Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, second edition, Tehran, Islam Publications. [In Persian]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (۱۹۸۶). *Al-Kashf on the hidden facts of the download and the eyes of the proverbs in the ways of interpretation*, proofreader: Mostafa Hossein Ahmad, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, third, Jame al-Tafaseer software. [In Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: علایی رحمانی، فاطمه، پورکاویان، زینب، معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۴۰۲). ساختار روابط مسلمانان از رهگذر تحلیل مضمون ارتباط ولایی در قرآن کریم، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۴(۴۶)، ۲۷۷-۳۰۸.
DOI: ۱۰,۲۲۰۵۴/ajsm.۲۰۲۳,۶۴۹۷۳,۱۷۷۸



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴.۰ International License.